

نشده و در حدیث آمده است که کل مولود یولد علی الفطریه ثم
ابواه یهودونه و نصرانه و مجسیه قطعی با بدان یارگشت هم لوط
خاندان نبوتش که شد تا سک اصحاب کعبه روزی چند
پی مردم گرفت و مردم شدند این کعبه و پاره از دنیا
ملک با وی حکم شفاعت یار شدند تا ملک از سر خون او
در گذشت و گفت بخشیدم اگر چه مصلحت ندیدم **پت**
دانی که چکفت زال یارستم که ده شمن بتوان حقیر و
بچاره شردید دیدیم بسی که آب سر شمشیر چون پشته
آمد شر و بار برده فی الحمله سپر انبار و نعمت بر آورد
و استاد او پ بجه تربیت او نصب کرد تا حسن خط
در دو جواب و سایر آداب خدمت بلوک پیا موصوفت شد

ادام

تا در نظر تمکنان پسندیده آمد وزیر اشمایل او در حضرت
ملک شمر می گفت که تربیت عاقلان در وی اثر کرده و سل
قدیم از جبلت او بدر شده ملک ازین سخن بیستم آمد گفت
شعر عاقبت کرک زاده کرک شود که چه با آدمی بزرگ شود
سالی دو برین بر آمد طایفه از او باش جمله نا او پیوستند
و عقد موافقت بسند تا بوقت فرصت وزیر را با دو پور
بلشت و نعمت پقیاس برداشتم بفراره در دان بجای
پدر بنیشت و عاصی شد ملکر اجبر کردند دست خیزند آن
گرفت و گفت قطعه شمشیر خوب از آهن بد چون کند که
ناکس تربیت نشود ای حکیم کس ما باران که در خط
طبعش خلاف نیست ما در باغ لاله روید و در شور و زار